

خارج از گود

کش و قوس‌های تمدید قرارداد شفر با استقلال



بخش ورزش - اعلام رقم ۶۰۰ هزار دلار برای قرارداد وینفرد شفر از سوی افتخاری احتمالا به این منظور انجام شده که مدیرعامل استقلال می‌خواهد سرمربی این تیم را در موقعیت کار انجام شده قرار دهد.

وینفرد شفر نتایج بسیار خوبی با استقلال به دست آورده و کیفیت فنی آبی‌ها چیزی نیست که کسی بتواند آنرا کتمان کند. آنها با هدایت شفر یکی از بهترین دوران‌های فوتبالی را پشت سر می‌گذارند. این مساله باعث شده هواداران استقلال خواهان تمدید فوری قرارداد وینفرد شفر شوند. خواسته‌های معقول و منطقی اما مشکل کجا است؟ چرا باشگاه استقلال در روزهای اخیر به شکل‌های مختلف مباحث مطرح شده پیرامون شفر را تکذیب می‌کند؟

طبق قرارداد فصل گذشته شفر با استقلال، طرفین در صورت تمایل باید درصد مشخصی را به رقم قرارداد اضافه کنند ولی بر اساس شواهد خواسته شفر بیشتر از حد از پیش تعیین شده است. دلیل اصلی طولانی شدن مساله تمدید قرارداد شفر هم همین است و روز گذشته سپیدرضا افتخاری رسماً اعلام کرد که تلاش دارد تا با شفر روی مبلغ ۶۰۰ هزار دلار توافق کند. این صحبت درحالی صورت گرفته که شفر در نشست‌های خبری اخیرش مدام به کادر فنی قبلی استقلال کنایه زده و حتی یک بار گفت که قرارداد میک مک‌درموت بدنساز سابق استقلال از کل کادر فنی‌اش بیشتر است. او در نشست‌های اخیرش مدام از کارهایی که برای استقلال کرده می‌گوید و حتی یک بار مدعی شد اگر او نبود استقلال به دسته پایین‌تر سقوط می‌کرد.

باینه بازار گرمی از سوی شفر و برجسته کردن کارهایش حق او است و کسی هم نمی‌تواند تاثیر او در استقلال را نادیده بگیرد ولی این نکته را هم نباید نادیده گرفت که باشگاه استقلال نباید تحت تاثیر جو احساسی قرار بگیرد و قراردادی ببندد که توانایی اجرا کردنش را نداشته باشد چون در این حالت، بنا به تجربه حواشی بعدی در طول فصل آینده گریبان استقلال را می‌گیرد و مساله بی پولی و عدم پرداخت مطالبات مربیان خارجی، استقلال را وارد بحران خواهد کرد. به طور کلی به نظر می‌رسد افتخاری با اعلام رقم ۶۰۰ هزار دلار برای شفر قصد دارد مربی آلمانی را در موقعیتی قرار دهد که نتواند رقم قراردادش را بیش از این کند. به هر حال افتخاری شرایط پولی استقلال را می‌داند و از طرفی می‌داند در صورتی که قدرت چانه زنی خود را پایین بیاورد، شاید عنان کار تا حد زیادی از دستش خارج شود.

بخش ورزش - با گذشت بیست سال از درگذشت سیروس قایقران کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران، هنوز هم یاد و خاطرات او برای دوستان و همبازیان و علاقمندان زنده است.

بیست سال پیش یکی از تلخ ترین اتفاقات فوتبال ایران رخ داد و تیم ملی کاپیتان محبوب و دوست داشتنی اش را برای همیشه از دست داد.

سیروس قایقران یکی از آن شخصیت های ورزشی بود که در زمان حیاتش هم وجهه ملی داشت. او با اینکه در ملوان و یا کشاورز بازی می کرد محبوب همه هواداران فوتبال بود و هیچگاه کسی به او به چشم یک رقیب نگاه نکرد.

قایقران کاپیتان تیم ملی بود و شاید یکی از بهترین گزینه ها در تاریخ فوتبال ایران برای کاپیتانی تیم ملی بوده است.

در بیستمین سالگرد مرگ سیروس قایقران مثل هر سال دوستان و همبازیان سابق او با بیان خاطرات و ابراز علاقه به قایقران یادش را گرمی می دارند. محمد تقوی یکی از همبازی های مرحوم قایقران در تیم ملی نیز در صفحه اینستاگرامش با انتشار عکس و متنی از سیروس قایقران به بیان خاطره ای از دوران حضورش در تیم ملی و در کنار او پرداخته است. تقوی در اینستاگرامش نوشته: «مروز سالگرد درگذشت یکی از نواذر فوتبال ایران است.همبازی بودن با سیروس قایقران در تیم ملی یکی از بهترین افتخارات دوران ورزشی ام است.» او در ادامه به بیان خاطره ای از سیروس قایقران پرداخته و نوشته است: «در یکی از اردوهای تیم ملی در کشور شوروی سابق با شوت سنگین مجیدنامجو مطلق که به سرم خورد بیهوش شدم. پس از چند ساعتی که در بیمارستان به هوش آمدم گوش سمت راستم بسیار درد می کرد.

وقتی آقای مهدی (مناجاتی) سرمربی وقت تیم ملی حالم را پرسید گفتم: همه چیز خوبه اما نمی دونم چرا اینقدر سمت راست صورتم درد می کنه، آقا مهدی با خنده گفت: باید از سیروس بررسی که با چند تا سیلی جونت را نجات داد. وقتی به اردو برگشتم سیروس با همان لیخنده همیشگی اش به سمتم آمد و گفت: خدا را شکر سالمی، همه رو نگران کرده بودی ... و گفت: اگر من نبودم مطمئنا از دست رفته بودی، در صورتی که من هیچ چیز از سیلی او بخاطر نمی آوردم و اصلا تا بیمارستان کاملا بیهوش بودم، گفتم آقا سیروس درد سیلی تو بدتر از شوت مجید بود. حاضرم آقا سیروس با همان خنده های زیبایش دوباره به صورتم سیلی می زد اما همچنان در کنار ما زنده می بود. روحش شاد و یادش برای همیشه سبز.»

روز حادثه از زبان همسر سیروس

حالا سالهاست که او زیر خاک نمناک بندر خفته است اما هنوز عکسش روی دیوار تمام مغازه های شهر و یادش در قلب تمام آدمهای نجیب شمال ماندگار شده است. همسر قایقران که در آن سفر همراه او بود تلخ حادثه را اینگونه روایت می کند « ساعت ۲/۵ بعدازظهر از بندرانزلی به طرف تهران حرکت کردیم. برادرم ایمان هم با ما بود. ما در تهران زندگی می کردیم. سال های

خاطره محمد تقوی در بیستمین سالگرد کاپیتان سیروس

سیلی قایقران جانم را نجات داد

گذشته که تهران بودیم هر سال عید می آمدیم انزلی. ولی آن سال عید انزلی بودیم، نتوانستیم راستین را برای گردش جایی ببریم. سیروس پشت فرمان رنو بود و من بغل دستش، برادرم پشت من نشست و راستین هم پشت سیروس نشسته بود. سیروس جلوی دکه های خارج از شهر رشت نگه داشت تا برای راستین نوشابه بخرد. من گفتم: سیروس، راستین فقط عاشق آب است، اگر نوشابه بخورد، باز هم آب می خواهد، برویم امامزاده هاشم آب بخوریم و صدقه



کجا هستند؟ نجاتشان دادید؟ گفتند: بله شما نگران نباشید، حالشان خوب است. با سر اشاره می کردم که یعنی من سالم هستم و شما بروید به آنها برسید. من می خواهم خودم بروم آنها را نجات بدهم. آدرس و شماره تلفن ما را پرسیدند. نمی گذاشتند بروم، تا بلند می شدم، دوباره مرا به زور نگه می داشتند. آنها می گفتند: ما به خانواده شما اطلاع داده ایم. آمبولانس هم نبود. خدا خیر بدهد دو تا آقا را که پیکان داشتند و می خواستند مرا به بیمارستان

برسانند. گفتم: من نمی آیم. می خواهم پیش شوهر و پسرم بروم. یکی از آن دو مرد گفت: خواهر، سیروس مثل نور چشم ما است، ما او را نجات می دهیم. به زور مرا سوار پیکان کردند. من مردم را می دیدم که می رفتند و می آمدند و به داخل پیکان نگاه می کردند و سر تکان می دادند و می گفتند: بیچاره!

ولی من نمی فهمیدم، یعنی نمی خواستم قبول کنم. در بیمارستان پور سینای رشت، مرا بستری کردند پس از اینکه از بیمارستان پور سینای مرخص شدم، در ماشین دلشوره داشتم. یک لحظه دلم ریخت و شک کردم، دایم به خودم دلداری می دادم و می گفتم مگر امکان دارد که سیروس و راستین من بمیرند؟ اگر برای سیروس اتفاقی افتاده باشد، رشتی ها خیلی سیروس را دوست دارند و حتماً برایش پرده و حجله می زنند. هر چه گشتم پرده مشکلی و حجله عزاداری ندیدم. امیدوار شدم و با خودم گفتم: حتماً اتفاقی نیفتاده و آنها زنده اند و در بیمارستان بستری هستند. خدا شاهد است که توان سؤال کردن از همراهانم را نداشتم. همینکه وارد خیابان واحدی شدم، یک حجله دیدم. سریع نگاه کردم و اعلامیه دیدم. اما تار دیدم و عکس یک آدم بزرگ و یک بچه را تشخیص دادم. نفهمیدم که اعلامیه و عکس ها متعلق به چه کسانی هستند؟ ماشین هم سریع

گاز داد و رفت و اجازه نداد که من متوجه شوم. هر ماشینی که از کنار ما می گذشت، یک اعلامیه پشت شیشه آن نصب شده بود. به پل واحدی که یکطرفه است رسیدیم. ما ماندیم تا ماشین های آن طرف بیایند و رد بشوند. اولین ماشین که رد شد، پشت شیشه آن یک اعلامیه بود. ناگهان از جا کنده شدم و پشت سرم را نگاه کردم. خوب که نگاه کردم و به چشم هایم فشار آوردم، دیدم نوشته شده: «سیروس قایقران» ... محکم بر سر و صورت زدم ... دیگر هیچ چیز نفهمیدم و تا رسیدن به منزل، همه اش بر سرم می کوبیدم. وقتی هم که سر کوچک خودمان رسیدیم، دیدم همه جا اعلامیه زده شده و حتی جلوی در خانه ما اعلامیه زده بودند. ولی من باز هم نمی خواستم باور کنم که سیروس عزیز من مرده است. سیروس همیشه مهربان و با محبت بود. ولی در این روزهای آخر، خیلی مهربان تر و با محبت تر شده بود و هیچ وقت به من یا راستین در این مدت نه نگفت و هر گز بی احترامی و بی وفایی از سیروس ندیدم، به جز در این سفر آخری که بی وفایی کرد و مرا با خود نبرد. یک شب در اوایل عید همان سال سیروس روی تختخواب دراز کشیده بود و راستین هم پیش او بود. وقتی داخل اتاق رفتم دیدم که سیروس دارد درد دل می کند. او به پسرش می گفت: راستین جان، من یک ماه بیشتر مهمان شما نیستم.



هم بیندازیم. راستین که هیچ موقع قانع نمی شد، گفت: آره بابا، آنجا آب می خورم. سیروس هم گاز داد و رفت. وقتی به امامزاده هاشم رسیدیم، سیروس دست کرد توی جیبش، پول درآورد و به راستین داد و گفت: پسرم، آب که خوردی این پول را هم توی آن صندوق بینداز. سیروس اول نمی خواست پیاده شود. من هم خیلی کسل بودم و اصلا حال نداشتم. انگار غم دنیا توی دلم بود، ولی بعد همگی پیاده شدیم و دست و رویمان را شستیم، آنجا یک شیر آب بود. وقتی سوار ماشین شدیم، راستین گفت: بابا چقدر خنک شدم. قبل از اینکه من بیهوش بشوم، دقیقاً یادم نمی آید. فقط یادم هست که یک خاور از رویرو در حال حرکت بود. من خیلی خوابم می آمد. یک بار تصادف کرده بودیم، همیشه از جاده می ترسیدم و همیشه در طول راه بیدار بودم. تا چشم باز کردم آن صحنه را دیدم. از جایی که آب خوردیم تا محل تصادف خیلی فاصله نداشتیم. جیغ کشیدم، ولی مرا کشیدند و بردند. هی می گفتم که شوهر و بچه ام را نجات دهید. برادرم را که دیدم، گفتم: وای جواب پدرم را چه بدهم؟ اصلاً نمی خواستم قبول کنم که بر سر آنها بلامی می آید. دوباره بیهوش شدم. مرا به درمانگاه امامزاده هاشم بردند. چند ضربه به صورتم زدند که از درد به هوش آمدم و پرسیدم که چه اتفاقی افتاده و شوهر و بچه ام

حشمت مهاجرانی:

آقای کیروش ، الگوی فوتبال ما عربستان نیست

بازیکنان گاهی اوقات در فاصله پنج روز دو بازی انجام می دهند. وی در ادامه این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: کیروش فوتبال عربستان را مثال می‌زند که چند بازیکن را راهی اسپانیا کرده و ظاهراً آنها اضافه وزن هم پیدا کرده‌اند.



البته باید بگویم که آقای کیروش! الگوی فوتبال ما عربستان نیست. ما باید به کشورهای پیشرفته و صاحب‌نام نگاه کنیم و الگو بگیریم. ما تیم اول آسیا هستیم و مطمئناً در جام جهانی هم تلاش می‌کنیم تا نتایج خوبی بگیریم.

مهاجرانی در پایان اظهار داشت: کیروش در تعطیلی ۴۰ روزه‌س لیگ برتر صحبت کرد، ولی بعداً آقایان تاج و ساکت گفتند که درخواست او به این شکل نبوده است. در مجموع حرف او در مورد تعطیلی

بخش ورزش - سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال ایران معتقد است، ملی‌پوشان شاغل در لیگ برتر ایران، چیزی کمتر از لژیونرها ندارند.

حشمت مهاجرانی در گفت‌وگو با خبرنگار ورزشی خبرگزاری تسنیم در واکنش به صحبت‌های اخیر کارلوس کی‌روش در مورد سطح آمادگی ملی‌پوشان شاغل در لیگ برتر ایران گفت: من تا حدودی با خصوصیات کی‌روش آشنا هستم، ولی فوتبال مملکت‌م را خیلی بیشتر از کی‌روش دوست دارم. در بازی‌های دوستانه تیم ملی که اخیراً برگزار شد، به خوبی دیدیم که بازیکنان شاغل در لیگ برتر ایران دست‌کمی از لژیونرها ندارند. آنها پا به پای دیگر بازیکنان جنگیدند و دویدند.

سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال ایران در ادامه افزود: استخوان بندی اصلی تیم ملی از بازیکنانی که در خارج از ایران بازی می‌کنند شکل می‌گیرد و فقط دو سه بازیکن لیگ برتری در ترکیب تیم ملی قرار می‌گیرند. در ضمن لیگ برتر ایران هم شرایط خوبی دارد و شما می‌بینید که

آگهی مفقودی

مدرک فارغ التحصیلی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری اینجانب سید محمد رضوی دارنده شماره ملی ۲۶۸۰۰۷۲۰۳۰ صادره توسط دانشگاه آزاد رشت مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی دعوت بستانکاران (نوبت دوم)

شرکت خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی آینده‌نگران سبز شمال

در اجرای ماده ۲۲۵ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت

بدین‌وسیله شرکت خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی آینده‌نگران سبز شمال (در حال تصفیه) به شماره ثبت ۱۲۷۸۷ و شناسه ملی ۱۰۷۲۰۲۵۶۹۷۴ که به موجب آگهی روزنامه رسمی ۲۱۰۰۰ مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۸ منحل گردیده است از کلیه بستانکاران شرکت دعوت می‌شود که هرگونه طلب و ادعایی از شرکت دارند با در دست داشتن مدارک خود ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی به نشانی رشت، خیابان معلم سه‌راه علی‌آباد کوچه صبا پلاک ۱۷۶ کدپستی ۵۶۴۹۹-۴۱۵۵۷ مراجعه نمایند و الا در اجرای ماده مذکور، دارایی بین بستانکاران و صاحبان سهام تقسیم خواهد شد، این آگهی در سه نوبت و هر نوبت به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار شرکت آگهی می‌شود.

مدیر تصفیه

مرضیه نظام‌دوست ویشکائی

تاریخ انتشار: ۹۷/۰۱/۰۹

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت اول)

شرکت تعاونی مینی‌بوسداران خودراندنده خط کناره - رشت به شماره ثبت ۱۱۴۸

جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول شرکت تعاونی مینی‌بوسداران خودراندنده خط کناره - رشت، راس ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۸ در محل شرکت واقع در رشت، بعد از پل جانبازان - اول بلوار امام رضا (ع) - ترمینال کناره - تشکیل می‌گردد.

از کلیه اعضاء دعوت می‌شود شخصا یا وکالتا جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در جلسه حضور به‌هم رسانند.

ضمناً به اطلاع می‌رساند به موجب ماده ۱۹ آیین‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی؛ تعداد آراء و کالتی هر عضو حداکثر ۳ رای و هر شخص غیرعضو تنها یک رای خواهد بود و اعضای متقاضی اعطای نمایندگی می‌بایست به همراه نماینده خود حداکثر تا تاریخ ۹۷/۰۱/۲۵ در محل دفتر شرکت حاضر تا پس از احراز هویت و تایید وکالت، بر گره ورود به مجمع را دریافت دارند.

در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول به حدنصاب نرسید، مجمع نوبت دوم روز سه‌شنبه مورخ ۹۷/۰۲/۱۱ در همان ساعت و همان مکان برگزار خواهد شد.

همچنین اگر مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم نیز به حدنصاب نرسید مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت سوم در روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۰۲/۲۶ در همان ساعت و همان مکان برگزار می‌گردد.

دستور جلسه:

۱ - اصلاح مواد ۱ و ۳ و ۴ و ۶ اساسنامه مورد عمل

رئیس هیات مدیره	نایب رییس	منشی هیات مدیره	عضو اصلی
حاج حسین شعبانزاده	جواد وهابی	احمد منتظر غیب	احمد کوشش

مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری لنگرود

آگهی ثبتی

آگهی تغییرات شرکت گردشگری گیل پاسارگاد کاسپین شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۳۸ و شناسه ملی ۱۰۹۸۰۲۸۱۱۶۶ به استناد صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۰۸ تصمیات ذیل اتخاذ شد:

۱ - محل شرکت در واحد ثبتی لنگرود به آدرس استان گیلان - شهرستان لنگرود - بخش مرکزی - شهر چاف و چمخاله - خیابان (چمخاله) - بلوار (یادگار امام) - پلاک ۵۱ - طبقه همکف - کدپستی ۴۴۷۱۱۵۲۹۳۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید. با ثبت این مستند تصمیمات تغییر محل (تغییر نشانی در یک واحد ثبتی) انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی های سازمان ثبت قابل دسترسی می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان

مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری لنگرود

تاریخ انتشار: ۹۷/۰۱/۱۹